



بازی - بازیگری

راهنمایی برای کارگاه‌های تئاتر

| لوک دیکسون | حمید هاشمی | مطالعات اجرا (۱): بازیگری |

| PLAY-ACTING | Luke Dixon | Translated by Hamid Hashemi |



| بازی - بازیگری |

| لوک دیکسون |

| ترجمه: حمید هاشمی |

| ویراستار: مرتضی حسین‌زاده |

| نمونه‌خوان: فرشید گردمافی | صفحه‌آرایی: آلا شوپز |

| مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

| مدیر تولید: مصطفی شریفی |

| چاپ دوم | ۱۳۹۸ | تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۴۲-۵ |

|  Bidgol Publishing co. | نشریدگل |

| تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ |

| فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخررازی | پلاک ۱۳۷۴ |

| تلفن فروشگاه: ۱۷ ۳۶ ۹۶ ۶۶ ، ۴۵ ۳۵ ۴۶ ۶۶ |

| bidgolpublishing.com |

| همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |



مجموعه مطالعات اجرا

مجموعه مطالعات اجرا، عنوان مجموعه تازه‌ای است که برای معرفی کتاب‌هایی در زمینه عمل اجرا، و مهارت‌های عملی تئاتر طراحی شده است. برعکس مجموعه‌های بیشتر تئوریک تئاتر، مطالعات اجرای بیدگل رویکردی عملی‌تر را در زمینه تئاتر و اعمال تئاتری در پیش خواهد گرفت. این مجموعه مختص عرضه کتاب در زمینه بازیگری و کارگردانی نیست، بلکه به معرفی و عرضه کتاب‌هایی که به تخصص‌هایی نظیر طراحی صحنه، نور، گریم، و نمایش عروسکی مربوط‌اند نیز خواهد پرداخت.

مجموعه مطالعات اجرای نشر بیدگل، درعین حال، منبعی مفید برای آموزش عملی هنرجویان، مربیان و به خصوص دانشجویان تئاتر خواهد بود.

دبیر مجموعه
علی اکبر علیزاد



لوک دیکسون معلم، کارگردان و چهره‌ای دانشگاهی است که در تمام دنیا او را برای نمایش آثار شکسپیر و کارهای محیطی^۱ می‌شناسند. او در آسیا، آفریقا، امریکای شمالی و جنوبی و نیز سراسر اروپا و انگلیس کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی برگزار کرده است. تز دکتری او در زمینه اجرای جنسیتی است. او در این زمینه و نیز اجرای چندزبانی و چندفرهنگی کارهای بسیاری دارد. لوک دیکسون مدیر هنری تئاتر خانه به دوش^۲ و جشنواره جهانی کارگاه^۳ است.

1. site specific
2. theatre nomad
3. International Workshop Festival

| فهرست مطالب |

۱۷	مقدمه
	بخش یک – بدن و صدا
	مقدمه
۲۵	۱. یا (از مچ به پایین)
۲۷	۲. ارتباط بین استخوان‌ها
۳۵	۳. ستون فقرات
۴۷	۴. راه رفتن
۵۵	۵. فضای تئاتری
۶۱	۶. سفر زندگی
۶۷	۷. تئاتر خدایان
۷۳	۸. بازی‌های زندگی
۷۹	۹. نفس
۸۷	۱۰. یکی دو کلمه
۹۷	۱۱. بازی چشم‌بندی
۱۰۳	۱۲. تابستان شکسپیر
۱۰۷	۱۳. متن
۱۱۵	۱۴. ریتم
۱۲۱	۱۵. طبل
۱۲۹	۱۶. بازیابی
۱۳۵	

بخش دو - قلب و روح

۱۴۱	مقدمه
۱۴۳	۱۷. حواس و چاکراها
۱۵۳	۱۸. جعبهٔ احساسات
۱۵۹	۱۹. یک، ده و بیشتر
۱۶۵	۲۰. اجرا
۱۷۳	۲۱. هزارتوی نمکین
۱۸۳	۲۲. وقت خواب
۱۹۱	۲۳. تغییر وضعیت
۱۹۷	۲۴. در آینه
۲۰۵	۲۵. تانگو
۲۱۳	۲۶. حیوانات و کهن‌الگوها
۲۱۹	۲۷. انسان‌های داخل کارت پستال
۲۲۵	۲۸. بازی با جنسیت
۲۳۱	۲۹. لباس
۲۳۷	۳۰. ابریشم‌های جادویی
۲۴۱	۳۱. روزی روزگاری
۲۴۷	۳۲. اجرا
۲۵۳	پایان بندی

نشر بیدگل

| مقدمه |

من و گروه کوچک بازیگرانی که همراه من بودند، در منطقه فیچز گرنر در کنار صحرای وسیع کارواوقات بسیار خوشی را گذراندیم. اجرایی دیدیم که تقریباً یک ساعت طول کشید و بسیار سرگرم کننده بود. گروه ما شامل پنج بازیگر از پنج کشور مختلف اروپا می شد (نروژ، آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا) و من که به عنوان کارگردان از انگلیس رفته بودم. نخستین بار بود که به افریقا می رفتیم. بعد از اینکه نظر مثبت مان را در مورد چیزی که دیده بودیم بیان کردیم، مدیر هنری منطقه از ما خواست برای کمک به پیشرفت مهارت های اجرایی در منطقه، یک کارگاه تئاتر برای کل مردم روستا برگزار نماییم. این گونه بود که زیر تیغ آفتاب، روی علف های گزنده، کارمان را آغاز کردیم.

عده کمی از مردم منطقه انگلیسی بلد بودند (چه برسد به نروژی، فرانسوی، آلمانی یا ایتالیایی) و آموزش ها باید به زبان خوسایی که زبان مردم این منطقه بود ترجمه می شد. به این دلیل تصمیم گرفتیم آموزه هایمان را تا جایی که می شود بدون کلام برگزار کنیم و نداشتن یک زبان مشترک به جای نقطه ضعف به نقطه قوت ما تبدیل بشود. ابتدا یک بازی کودکانه کردیم که «قدم مادر بزرگ» نام داشت و ما تا آن زمان به صد روش آن را انجام داده بودیم. توضیح مفصل این بازی در جریان تمرین ها می آید. این بازی یکی از بهترین راه های برقراری ارتباط بین فرهنگی است. ما به هر جا که سفر کردیم - از کوه های راکی در کانادا تا جلگه های سیبری - دیدیم

این بازی را انجام می‌دهند. بازیگر فرانسوی ما، ژان پانی^۱ مادر بزرگ می‌شد و وقتی پشتش را می‌کرد، کل اعضای آن روستای افریقایی به سمت او نزدیک می‌شدند. هر وقت رویش را برمی‌گرداند، باید همه کاملاً توقف می‌کردند و اگر کسی در حال حرکت بود باید به ابتدای مسیر حرکت باز می‌گشت. همه اسم یکدیگر را در میان امواج قهقهه یاد گرفتند و دست‌آخیری از مردم روستا بدون اینکه بسوزد توانست به پشت ژان دست بزند. سپس همین بازی را به صورت رقابتی انجام دادیم و پشت هر یکی از بازیگران اروپایی ده پانزده نفر از مردم روستا قرار گرفتند و توانستند راهبردها و نشانه‌هایی برای بازی‌شان ایجاد کنند. هر گروه به شیوه مخصوص خود بازی می‌کرد و این کار را این قدر ادامه دادیم تا همه از خنده ضعف کردند.

سپس پائولا کوالین^۲ بازی کاملاً متفاوتی از بازی‌های اروپایی را به گروه یاد داد. این خانم که در ونیز متولد شده و درس خوانده است، از طرفداران پُرشور کم‌دیا دلارته در ایتالیا است. اعضای روستا و بازیگران، دایره‌ای بزرگ تشکیل دادند و او با استفاده از حرکات، صداها و حالات سه شخصیت کهن‌الگویی دلارته – که پانتلونه محبوب‌ترین آن‌هاست – کسانی را انتخاب می‌کرد. ما باید با دقت بسیار، جزئیات فیزیکی هر کدام از شخصیت‌ها را یاد می‌گرفتیم و به سمت مرکز دایره حرکت می‌کردیم و سپس به سوی جای اولمان برمی‌گشتیم. با اطلاعاتی که از میزبانمان گرفتیم، نقش پلیس و رؤسای قبایل را بازی کردیم. توجه افراد به جزئیات کار بدنی خیره‌کننده بود. سپس بر اساس تمرین‌هایی که کرده بودیم، شخصیت مورد نظرمان را آماده کردیم و دورتا دور روستا آن را نمایش دادیم. به این ترتیب وقتی تیغ آفتاب از آن سپهر افریقایی بر علف خشک سرزمین دوردست فیچر کرنر می‌تابید، شصت پانتلونه افریقایی مخاطبین خود را به شغف و خنده واداشتند.

ظرف یک ساعت تبدیل به گروه بازیگرانی شده بودیم که همه از بازی‌هایی که می‌کردیم لذت می‌بردیم، حالت فیزیکی بازی را کشف کرده بودیم، شخصیت ساخته بودیم و اجرایی شکل داده بودیم.

1. Jean Pagni
2. Paola Cavallin

کارگاهی که در میان بوته‌زارهای این شهر افریقایی شکل گرفته بود محصول کار گروه سیاری از بازیگران (تئاتر خانه به دوش) بود که من دور دنیا را با آن‌ها گشته‌ام. آن‌ها از این دست کارها بسیار کرده‌اند. بازیگران این کمپانی در کشورهای مختلفی زندگی می‌کنند و ما به هر جا سفر می‌کنیم اجراکنندگان تازه‌ای می‌بینیم و با آن‌ها کار می‌کنیم. در این سال‌ها در جاهای مختلف مراکزی تشکیل داده‌ایم و تیم ناپیوسته‌ای هستیم که در سراسر دنیا دور هم جمع شده‌ایم. سال‌هاست که هر جا توری یا پروژه‌ای در کار بوده است دوباره یکدیگر را پیدا و تئاتر کار کرده‌ایم. هر جا اجرایی در کار بوده است کارگاه‌هایی بر پا کرده‌ایم تا مهارت‌های خودمان را منتقل کنیم و مهارت‌های تازه‌ای فرا بگیریم. ما در دانشگاه‌های شمال آمریکا و مدارس درام انگلیس با کمک کمپانی‌های تئاتر از سراسر دنیا کارگاه برگزار کرده‌ایم. برای انجام دادن این کار از افریقا تا کوه‌های باوریا و ساحل اقیانوس هند رفته‌ایم و با دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، رقصندگان، خوانندگان اپرا، بازیگران حرفه‌ای و نوآموزان بازیگری کار کرده‌ایم. بسیاری از آن کارگاه‌ها در راستای هدف از پیش تعیین شده‌ای برگزار شد. برخی از آن‌ها برای ایجاد مهارت، برخی برای بررسی متون و شخصیت، برخی برای شکل‌دهی اجرا و برخی برای درگیر کردن مخاطبان با اجرایی که دیده‌اند شکل گرفت. برخی از این کارگاه‌ها یک ساعت و خرده‌ای و برخی چند روز تا چندین هفته طول کشید. موضوع تمام آن‌ها آموزش، تبادل نظر، مهارت و تکنیک‌های بازیگری بوده است.

واژه کارگاه تئاتر را ژان لیتلوود^۱ در دهه ۱۹۵۰ برای نخستین بار به کار برد. کارگاه لیتلوود کاری گروهی، حرکتی رادیکال و روشی کامل برای اجرای نمایش بود. نیم سده بعد، معنای این واژه به طور کلی تغییر کرد. ما در این کتاب کارگاه‌هایی را آورده‌ایم که مثل کارگاه روستایی افریقا، به آموزش و تبادل مهارت‌ها و فنون بازیگری می‌پردازند. کارگاه موتورخانه اصلی خلاقیت تئاتری است که در آن بازیگر، آموزگار یا کارگردان در بالاترین حد انعطاف، شفافیت، قدرت و نوآوری است. در کارگاه هر اتفاقی می‌تواند بیفتد، هر چیزی شدنی است، تئاتر آنجاست که ساخته می‌شود. در کارگاه تمرین نمی‌کنند تا چیزی را آماده نمایش کنند یا ساخت چیزی را تغییر بدهند، بلکه خود

1. John Littlewood

تئاتر ساخته می‌شود و نوآوری به وجود می‌آید. کارگاه راهی برای راه اندازی فرآیند خام نوآوری در بازیگری و تولید تئاتر است که برای آموزش، تقویت مهارت و ساخت اجرا از آن استفاده می‌کنیم.

کارگاه نقطه مرکزی کار مدرن تئاتر است که با تمام صورت‌های مختلفش بنیادی‌ترین روش آموزش و تولید تئاتر است. بازیگران تخصص خود را وارد کارگاه می‌کنند، آموزگاران منظور خود را منتقل می‌کنند و کارگردانان تخصصشان را تقویت می‌کنند.

در این کتاب، در قالب یک برنامه آموزشی، چندین کارگاه می‌بینیم که در گذر سال‌ها ضمن کارگردانی و آموزش به وجود آمده است و کمک می‌کند بازیگران به صورت فردی و جمعی به اهدافی دست پیدا کنند. بازیگران می‌توانند مثل کارگاه افریقا افرادی را گرد هم آورند، گروه تشکیل بدهند، شخصیت بسازند و آن را تقویت کنند، اندیشه‌ها، جان‌مایه‌ها و موضوعات مختلف را بکاوند، اندیشه‌هایشان را مبادله کنند و مهارت‌هایشان را بالا ببرند. هر کارگاهی به تنهایی کامل است و کارایی‌های مختلفی دارد. هر کدام را که بخواهید می‌توانید تکرار کنید یا فقط یک بار استفاده کنید.

چه نفعی برای من دارد؟

اگر بازیگر هستید، این کتاب یک برنامه عملی به شما می‌دهد. در پایان این کتاب می‌آموزید بدن‌تان چگونه کار می‌کند و چطور باید در اجرا از آن استفاده کرد. می‌فهمید وقتی حرف می‌زنید صدایتان چطور با تن شما و کلماتی که استفاده می‌کنید ارتباط می‌گیرد. یاد می‌گیرید در ساخت یک شخصیت و دنیای تئاتری‌ای که در آن زندگی می‌کند چطور باید از ذهن و تخیلتان استفاده کنید. کارگاه اساساً یک کار گروهی است و بهتر است برای شرکت در آن هم بازی داشته باشید (در اغلب موارد فقط یک هم‌بازی کافی است) تا در انجام دادن این تمرین‌ها به شما کمک کند. از طرفی، بسیاری از تمرین‌ها به تنهایی قابل انجام دادن است.

اگر معلم هستید، می‌توانید این کتاب را در داخل کلاس به دست بگیرید و به عنوان یک برنامه منظم برای کارتان از آن استفاده کنید. بخش‌های کتاب به همین ترتیب که هست قابل استفاده است ولی شما می‌توانید بر اساس رأی خودتان آن را عوض کنید.

اگر کارگردان هستید، این کتاب راهنمایی منظم برای تمرین‌های شماس‌ت که می‌توانید از آن استفاده کنید تا یک متن جدید ایجاد کنید یا متن موجود را روی صحنه ببرید. می‌توانید با این کتاب تمریناتی برای گرم کردن و آماده‌سازی قبل از اجرا تهیه کنید تا بازیگران با استفاده از آن بتوانند به صورت فردی یا گروهی خودشان را آماده کنند.

روش استفاده از کتاب

این کتاب ۳۲ بخش جدا از هم دارد که می‌توان آن‌ها را متصل به هم نیز در نظر گرفت. آناتومی بدن بازیگر را مطالعه می‌کنیم و به اجرای روایت توسط گروهی از بازیگران دست پیدا می‌کنیم. در هر کارگاهی آموزه‌هایی هست که اجراکنندگان باید انجام بدهند، نظیر اینکه کلماتی بگویند که خودشان یا دیگران بشنوند. می‌توان این راهنمایی‌ها را به یک نفر یا چند نفر داد تا بخوانند، ولی نباید همیشه گرداننده کارگاه یک نفر باشد. تا به حال کارگاه‌های مشترکی برگزار کرده‌ام و در اغلب موارد از نتیجه کار کسانی استفاده کرده‌ام که در مدیریت کارگاه به من کمک کرده‌اند. در این کتاب یاد می‌گیریم به عنوان بازیگر، معلم یا کارگردان چه انتظاراتی باید داشت و چگونه باید از فرصت‌هایی غیرمنتظره استفاده کرد یا زمینه بروز این فرصت‌ها را ایجاد نمود.

هر کارگاهی با هر کارگاه دیگری فرق دارد. شما می‌توانید هر کدام را که لازم است بر اساس نیاز خودتان متناسب‌سازی کنید، به این ترتیب که چیزی به آن اضافه یا از آن کم کنید. تمام این تمرین‌ها ریشه در تجربه دارند و گرچه ساده به نظر می‌رسند، در پاسخ به اندیشه‌های پیچیده و چالش‌های دشوار به وجود آمده‌اند. این کارگاه‌ها را بر اساس نیازتان تغییر دهید. توجه کنید از چه مکانی استفاده می‌کنید، چه چیزهایی در آن است و آیا فضا باز است یا بسته.

آیا از تمام فضایی که در اختیار دارید استفاده می‌کنید یا فقط بخشی از آن؟ اگر فضا در دارد، باید بسته یا باز باشد؟ چه چیزهایی حواستان را پرت می‌کند؟ نور فضا چگونه است؟ آیا باید با پای برهنه در آن شرکت کنند یا با کفش و جوراب؟

آیا فضا به قدر کافی گرم است؟ در صورت امکان، در چند دقیقه ابتدایی کارگاه سعی کنید اعضای گروه را بشناسید. برای این کار می‌توانید با آن‌ها گفت‌وگو کنید و بخواهید خودشان را معرفی کنند یا بازی‌ای طراحی کنید. توجه داشته باشید تجربه هر کدام از آن‌ها با دیگری متفاوت است و تجربه همه آن‌ها با شما متفاوت است. اگر می‌خواهید کاری را که قبلاً کرده‌اید با گروه تازه‌ای انجام دهید، توجه داشته باشید کار شاید برای شما روان باشد ولی برای آن‌ها جدید است.

حواستان به زمان باشد. مدت زمان یک کارگاه به مسائل بسیاری بستگی دارد که هر چه باشد، تمام آن تحت کنترل شما نیست. برای انجام دادن هر کدام از این کارگاه‌ها بدون عجله به یکی دو ساعت وقت نیاز دارید. برخی از این کارگاه‌ها، نظیر هزارتو یا داستان‌گویی، یکی دو روز و در مواردی یک هفته طول می‌کشد. اگر می‌خواهید زمان کارگاه‌های این کتاب را یکسان نگه دارید باید وسایل و لوازم هر کارگاهی را قبل از برگزاری آن آماده کنید. برای زمان خود برنامه‌ریزی کنید و همیشه در پایان کارگاه نتیجه‌گیری انجام دهید تا در این فرصت نکته مثبت و خلاقانه‌ای به گروه منتقل کنید تا بفهمند در کنار هم به چیز مشخصی دست یافته‌اند.

در کارگاه‌هایتان از سکوت استفاده کنید. بخش زیادی از این فعالیت‌ها را می‌توان بدون تولید هیچ صدایی انجام داد. سعی کنید برای شکستن سکوت در ابتدای هر کارگاه ایده‌ای داشته باشید و با موسیقی، کلام یا اتمسفر آن را عملی کنید تا یخ اعضای گروه باز بشود.

همیشه ابتدا بدن‌هایتان را گرم کنید. به خودتان، گروه و کارگاه اعتماد داشته باشید. حتماً اتفاق خوبی می‌افتد.